

گفتگو با "میثم معافی" / از کنسرواتوار تهران تا آلبوم "حق با توه" به پاس فعالیت های او در اجرا و آموزش موسیقی

## میثم مثل موسیقی مثل پرواز

مهدی احمدی

"معروف است که موسیقی از نیازهای اولیه حیات روحی انسان است و البته بشر دارد زیبایی را در این هنر تجربه می کند. شاید قبلاً هنرهای دیگر غلبه و تاثیر بیشتری داشتند، اما این سالها و روزها با رشد و توسعه همه جانبه تکنولوژی و خصوصیات خاص و منحصر به فرد هنر موسیقی از طرفی و امکان سریع و گسترده تولید، ضبط و پخش موسیقی، شاید موسیقی شانه به شانه سینما یا تلویزیون پیش می رود و حرف اول را می زند."

"میثم معافی" علاوه بر فعالان حوزه موسیقی، برای علاقه مندان به موسیقی، خاصه کسانی که به صورت حرفه ای و آکادمیک آن را دنبال می کنند، نام آشنایی است. فرصت حضور در خانواده هنری و البته فضای آموزشی و آکادمیک کنسرواتوار تهران باعث شده دوستان و هم سن و سالانش حالا در عین جوانی و حین انتشار اولین آلبوم او، پس و پیش نام و نام خانوادگی اش بگویند؛ استاد! این را بارها وقتی که با او در راه پله های کنسرواتور قدم می زدیم می شنیدم.

انتشار آلبوم اول او با نام "حق با توه" با توجه و استقبال مخاطبان و البته توجه خاص منتقدان موسیقی، با توجه به شناختی که از فعالیت های او و پیشینه اش در حوزه موسیقی داشتند، قرار گرفت. معافی تا کنون آثار مختلفی به مناسبت های مختلف اجرا کرده، از جمله آنها "رسول رحمت" از اولین کارهای او بود که مورد توجه و تقدیر بزرگان موسیقی کشور نیز قرار گرفت.



حالا او علاوه بر تدریس، معاون کنسرواتور تهران شده، یکی از شناخته شده ترین و بهترین مراکز علمی و آموزشی موسیقی کشور حدوداً بیش از یک دهه از آغاز فعالیت آن می گذرد. در این سالها کنسرواتور تهران فعالیت تخصصی در زمینه موسیقی را ضمن همکاری با موسسه آموزش عالی آزاد نهایند در حوزه آموزش عالی ادامه داده و طی این سالها دانشجویان، هنرجویان و دانشپذیران فراوانی را به جامعه موسیقی کشور معرفی کرده است. ظاهراً این مرکز آموزشی، اولین کنسرواتوری است که از سال ۱۳۷۸ زیر نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری فعالیت خود را شروع کرده. علاوه بر فعالیتهای مختلف و برنامه های انفرادی و یا عضویت در گروه موسیقی خوش آوا و... این روزها او وظیفه برنامه ریزی درسی استادان، مصاحبه، انتخاب ساز دانشجویان، گروههای آموزشی، امور کنسرتیهای آموزشی، سخنرانیهای استادان، فیلمهای آموزشی، بررسی و برنامه ریزی وب سایت این مرکز را نیز به عهده دارد.

"آلبوم نخست من فضایی عاشقانه داشت و به تناسب آن فضا با صدای «فالسنتو» و نرملی قطعات را اجرا کردم و صدایم در این کار بسیار کنترل شده بود، اما آلبوم دوم فضایی درون گرا تر دارد و به تناسب اشعار آن و فضای آهنگ ها و تنظیم ها که پراثرتری تر و به روز تر هستند، صدای متفاوت تری را مخاطبان از من خواهد شنید..." اینها را معافی با علاقه و انرژی خاصی، وقتی که با او در مورد انتشار حق با توهن و برخورد مخاطبان و منتقدان یا دوستانش سوال می کنم، می گوید:

رهایی یا نوعی فرار از این فضای پر غبار باعث این رویکرد من در آلبوم حق با توهن بود. می خواستم مردم با گوش دادن به آهنگهایم، کمی از این فضا بیرون بیایند و به آرامش برسند. شاید پرداختن صرف به آهنگهایی با ترانه های سخت و دیر فهم، اولویت یا تمام خواسته مورد نیاز جوان امروز نیست. احساس می کنم در این آلبوم در حد توان و دریافت خود به آرامش فضای روحی مخاطبانم کمک کرده ام، همچنانکه:

از صدای سخن عشق ندیدم خوشتر

یادگاری که در این گنبد دوار بماند!

«حق با توهن» یک اثری مصرفی نیست، روی اشعار این اثر کار شده است و بار معنایی بالایی نسبت به آثار دیگر موسیقی پاپ دارد، این آلبوم توانسته است سلیقه های مختلفی را به خود جلب کند و قطعا یک کار بازاری صرف نیست.

البته در کار جدیدم سعی کرده ام متفاوت تر باشم و رویکرد اجتماعی به برخی مسائل جامعه در ترانه کارهایم قابل توجه باشد. این آلبوم فضایی متفاوت تر از آلبوم حق با توهن خواهد داشت.

**انگار تهیه و انتشار اولین آلبوم ات زمان زیادی برده، دومین آلبوم ات چه زمانی به بازار موسیقی میاید. با چه هنرمندانی در این کار همکاری داشته ای؟**

آلبوم اولم یازده ترک دارد و چون اولین تجربه کاری ام بود و حساسیت زیادی روی کیفیت کار داشتم حدود ۳ سال طول کشید. در آلبوم دوم، از شعرها و ترانه های آقایان کاکایی، افشین مقدم، افشین یدالهی و خانم ترانه مکرم و آهنگسازی ایمان حجت، عباس بنازاده، حامد حنیفی و... بهره می برم. این روزها مشغول ضبط این آهنگ ها هستم و فکر کنم حدوداً چهل درصدی از کار انجام شده باشد.

چون بیشتر سختی کار ما، آهنگ سازی و تنظیم است. چند آهنگ را خواندم و آن شاه... بقیه کارها را هم به زودی خواهم خواند. امیدوارم آلبوم دوم در اردیبهشت ماه منتشر شود. در این آلبوم همچنین از آهنگ سازهای خوش نام و چهره هایی که فارغ التحصیل کنسرواتور هستند نیز با ما همکاری دارند؛ آقایان سیروان حق شناس، مجتبی خوشبخت و رضا کریمی که واقعا خیلی خوب کار می کنند همیشه سعی دارم با اشخاصی کار کنم که استعداد خوبی دارند و هنرمند حرفه ای هستند...

**ظاهراً تو اولین دانشجوی ایرانی کنسرواتور مسکو هستی. از شرایط ورودت به آنجا بگو؟**

وای، یادم هست که شرایط خیلی سختی بود، اساساً ورود به کنسرواتور مسکو بسیار مشکل است. سه پروفیسور در زمینه آواز کلاسیک، سلفژ و قطعه آوازی، از من امتحان گرفتند، خوشبختانه موفق شدم و پس از اخذ پذیرش، سرانجام در رشته مورد علاقه ام مشغول به تحصیل شدم.

**انتشار اولین آلبوم پاپ تو کمی غیر منتظره بود، با توجه به سابقه ای که در اجرا و آموزش موسیقی و سازهای سنتی داری چرا به موسیقی پاپ گرایش پیدا کردی؟ چرا "حق با توهن"؟!**

بله من ۱۷ سال است که نوازنده تار هستم و فارغ التحصیل دانشگاه سوره. فرصت مصاحبت با اساتید موسیقی کلاسیک و تشویق آنها موجب علاقه من به یادگیری حرفه ای موسیقی شد و بدین ترتیب دوره های آواز کلاسیک را نزد سرکار خانم زنده آقای پارس، خانم هایکانوش و نیز آقای شگر فکار گذراندم. این یک اتفاق و تنوع در مسیر زندگی هنری ام بود، با توجه به علاقه وافر خودم به آواز پاپ و با پشتوانه شناخت موسیقی سنتی، همزمان به صورت کاملاً حرفه ای موسیقی پاپ را دنبال کردم. بالطبع نتیجه آن، انتشار آلبومی شد به نام "حق با توهن".

در این آلبوم ترانه هایی از آقای کاکایی و افشین مقدم با آهنگسازی آقای ایمان حجت و... اجرا شد. فضای آلبوم یک فضای احساسی و عاشقانه است. در این آلبوم سعی کردم به سبک (فالسنتو) بخوانم اکثر کارهایم در این آلبوم خیلی آرام است و آلبوم دومم با تنوع در فضا و به شکلی متفاوت به زودی منتشر خواهد شد.

البته شاید محدودیت های آواز کلاسیک در کشور و دامنه کم امکان فعالیت در این زمینه هم از دلایل بعدی و البته مشترک این رویکرد در موسیقی کشورمان باشد.

**می گفتم که در این آلبوم از آهنگ های عاشقانه و احساسی بیشتر استفاده کردی، در کار جدیدت چه رویکردی را مدنظر داری؟**

شاید آسیب ها و تشوهای ناشی از شهرنشینی و تلاش برای





در این آلبوم مخاطبانی که در یک شرایط روحی خاص قرار دارند بهتر می‌توانند با آن ارتباط برقرار کنند. با مشورت‌هایی که داشتم سعی کردم به فراخور فضای جامعه و نیاز مردم به شادی و به گونه‌ای متفاوت بخوانم، امیدوارم مانند آلبوم اول مورد استقبال مخاطبان قرار بگیرد هر چند در آن آلبوم تبلیغات ما بسیار محدود بود.

### برای آلبوم جدیدات اسمی انتخاب کردی؟

هنوز قطعی نیست اما در حال حاضر وقتی از من در این رابطه سوال می‌کنند به نام سیم آخر از آن یاد می‌کنم، شاید هم اسم آخر آن سیم آخر نباشد!

### حالا چرا سیم آخر، به سیم آخر که نزدی؟!

نه، نه! چون شاید در سه تا از ترانه‌ها به سیم آخر اشاره شده و با این واژه بیشتر برخورد کرده‌ام. لذا شاید پایان کار، اسم آلبوم سیم آخر باشد.

### تا کنون در کارهایت مشخصا کسی را به عنوان الگو مدنظر داشته‌ای؟

شاید نه! در واقع من از کسی تقلید نکرده‌ام و همواره صدای خودم را ارائه کرده‌ام. البته خواننده مورد علاقه‌ام، پاوراتی است که با موسیقی پاپ ایران فاصله دارد. اگر آهنگهای مرا گوش کنید متوجه می‌شوید که صدای خودم است و از کسی تقلید نکرده‌ام. شخصیت صدا مهم است و این برای من موضوع مهمی است.

البته در شروع هر کاری می‌توان الگو برداری کرد؛ در خوانندگی، در خطاطی، در کارهای هنری. استاد سرمشق می‌دهد و شما تکرار می‌کنید و بعد از مرحله‌ای خودتان به یک سبکی می‌رسید و می‌توانید آن را اجرا کنید و به شخصیت مستقلی در هنر خود دست یابید. این مسئله، از سوی بزرگان موسیقی از جمله هنر آواز هم تأیید شده است. مثلاً شما را راجع می‌دهم به نظر اساتید بزرگ موسیقی کشور از جمله استاد محمد رضا شجریان و دیگر اساتید...

### ظاهراً تدریس موسیقی به تو در فعالیتهای حرفه‌ای خودت در موسیقی کمک فراوانی می‌کند؟

در راه رو‌ها گاهی می‌شنیدم که حتی همکاران و دوستانت که شاید هم سن و سالت باشند و در کنسرت‌ها و آلبوم‌های همکاری می‌کنند، تو را استاد صدا می‌زنند، کنترل این حس و روابط استادی و در عین حال دوستی و همکاری برایت مشکل ساز نبوده؟! چه حسی داری؟

بله خُب اینها خیلی نسبت مستقیمی با هم دارند، و به من در کارم خیلی کمک کرده. اینکه آدم پشتوانه کلاسیک و علمی داشته باشد باعث می‌شود در هر حرفه و هنری بتواند موفق تر باشد. حضور من در محیط آموزشی و کلاس درس و فضای تدریس در طول این سالها برای من خیلی مغتنم بوده و از این بابت خوشحالم. با شاگردان و البته دوستان و شاید گاهی همکاران جوانم هم روابط خوب و صمیمانه‌ای دارم، این نه تنها برایم مشکل ساز نبوده بلکه به من در موفقیت‌هایم در حوزه موسیقی کمک فراوانی کرده، حضور در این نقش یعنی تعلیم و تدریس موسیقی و فضای علمی و آموزشی باعث شده که حس

ای است، ما در رشته‌های نوازندگی ساز ایرانی، ساز جهانی، خوانندگی آواز ایرانی، آواز جهانی و آهنگ سازی هنرجویانی داریم که با انگیزه و علاقه فوق‌العاده جذب این مرکز آموزشی می‌شوند و به شکل سیستماتیک این دوره‌ها را می‌گذرانند.

سیستم درسی اینجا سیستم درسی کنسرواتوری است که با آخرین الگوهای موفق جهانی برابری می‌نماید.

ارتباط مستقیم کنسرواتوار تهران با کنسرواتوار دولتی مسکو یا چایکوفسکی و قراردادهای همکاری فیما بین در زمینه‌های مختلف از جمله تبادل استاد و دانشجو و سایر امور فرهنگی به ویژه برگزاری کنسرت‌های مختلف، فرصت‌های ارزنده‌ای برای مبادله تجارب و پیشبرد برنامه‌های آموزشی در اختیار ما می‌گذارد. در واقع کنسرواتوار موسیقی مسکو کنسرواتوار تهران را به عنوان فرزند خوانده خود می‌داند، به هر حال کنسرواتوار مسکو در دنیا جایگاه برجسته‌ای دارد؛ جزو پنج کنسرواتوار معتبر

کنم همواره و هر بار می‌توانم تخصصی‌تر گذشته با موسیقی برخورد کنم و جلو بروم، توانسته‌ام در این زمینه با شناخت غنی‌تر و پربارتری به موسیقی بپردازم.

### راستی از کنسرواتوار تهران بگو، از نحوه شکل‌گیری آن تا عملکرد و وضعیت کنونی آن در فضای آموزشی موسیقی کشور، تو معاون آموزشی آنجا هم هستی، در مورد اهداف آموزشی این مرکز بیشتر توضیح می‌دهی؟

بدون اغراق رونق بسیاری از فعالیتهای آموزشی در زمینه موسیقی کشور، مرون تلاشهایی است که از این مرکز شروع گردیده است.

حدوداً از آغاز فعالیت کنسرواتوار تهران ۱۲ سال می‌گذرد. هدف این مجموعه تربیت نوازنده و آهنگ ساز به صورت حرفه

## از دوستان گرمابه و گلستان



سینا کووایی متولد ۱۳۴۲ مشغول تحصیل در کنسرواتوار تهران است که تنظیم و آهنگسازی پاپ را نزد استاد علی ثابت آموخته. او می‌گوید: هم اکنون سرپرست و رهبر ارکستر میثم معافی هستم. این ارکستر تشکیل شده است از نوازنده‌هایی مجرب و تحصیل کرده که حتماً کار خوب

این ارکستر را در چند ماه آینده خواهید دید. هدف من از تشکیل دادن این ارکستر، ارائه سبک جدید تنظیم، آهنگ سازی و فواصل جدیدی در موسیقی پاپ است. ما می‌خواهیم صدای موسیقی پاپ را در ایران به صورت جدی تر و آکادمیک تر به گوش مردم برسانیم و با تکراری بودن ریتم‌ها، فواصل و ترانه‌های معمول و خسته کننده در بازار موسیقی پاپ مبارزه کنیم.

برای این ارکستر از طرف کنسرواتوار تهران حمایت‌های زیادی شده که امیدواریم من و میثم بتوانیم موسیقی در خور و شایسته مردم عزیزمان تقدیم کنیم.

من و اعضای ارکستر از جناب آقای دکتر بهزاد معافی (رئیس کنسرواتوار تهران) تشکر می‌کنیم. من و بچه‌های ارکستر همه تلاشمان را می‌کنیم که با یک کار خوب و قوی خوشحالشان کنیم.



“

**من ۱۷ سال است که نوازنده تار هشتم و فارغ التحصیل دانشگاه سوره. فرصت مصاحبت با اساتید موسیقی کلاسیک و تشویق آنها موجب علاقه من به یادگیری حرفه ایی موسیقی شد و بدین ترتیب دوره های آواز کلاسیک را نزد سرکار خانم زند، آقای پارسی، خانم هایکانوش و نیز آقای شگرفکار گذراندم. این یک اتفاق و تنوع در مسیر زندگی هنری ام بود، با توجه به علاقه وافر خودم به آواز پاپ و با پشتوانه شناخت موسیقی سنتی، همزمان به صورت کاملا حرفه ایی موسیقی پاپ را دنبال کردم، بالطبع نتیجه آن، انتشار آلبومی شد به نام "حق با تونه"...**

به نظرت در این شرایط وجه هنری موسیقی غالب است یا وجه تجاری آن؟  
در حال حاضر عموم فعالیتهای در دنیا یک رویکرد تجاری و البته حرفه ایی در تولیدات موسیقی دارند. ولی به هر حال ما می گوئیم موسیقی نیاز روحی انسانها و جامعه است، غذای روح است، این غذا باید درست و به وقت تامین شود. ناخالصی نداشته باشد و با رویکردی به آینده و نگاهی سازنده ارائه شود.

بی شک هنر در مشرق زمین وابسته به معنویات است. ما می بایست نگاه و فرهنگ خودمان را داشته باشیم البته با توجه به تبلیغات رسانه ایی مخالفان، این کار مشکلی است. ما باید نگاه انسانی و عرفانی خود را حفظ کنیم. من همیشه می گویم موزیسین باید به جامعه خود و مسائل آن بیندیشد. شاید موسیقی کاتالیزوری است برای پیشرفت جامعه و می تواند اعصاب و روان جامعه را تحت درمان خود قرار دهد کما اینکه موزیکوتراپی امروزه در دنیا بسیار مطرح شده است. اخیرا کتابی دیدم به نام "موسیقی و قدرت"، بله منظورش قدرت سیاسی بود! این یعنی که امروزه حتی مسائل اقتصادی، سیاسی نیز متأثر از هنر موسیقی هستند.

**اولین آلبوم میثم معافی با موفقیت منتشر شد و دومی را هم که می گویی در راه است، برنامه بعدی ات چیست؟ قصد اجرای کنسرتی در آینده نزدیک نداری؟**

در حال حاضر که مشغول به تدریس تار، نوازندگی، تئوری موسیقی، آهنگ سازی و سولفژ هستیم. در واقع تمرین های گروه را برای کنسرت هایی که از اردیبهشت ماه در نظر گرفته ایم، شروع کرده ایم، در تهران و شهرستانها از جمله اصفهان تا کیش. البته به این منظور ارکستری را به سرپرستی سینا کووایی ترتیب داده ایم که امیدوارم در سال ۹۰ شاهد اجرای آن باشیم.

**و کلام آخر میثم معافی!؟**

من از هفته نامه هنرمند و شما که حامی هنرمندان و به خصوص هنر موسیقی هستی تشکر می کنم و تعالی هنر فاخر و ارزشمند ایران زمین را ارزو مند.

بر همین اساس ما ناچاریم که در هر آلبوم چند کار شاد و متنوع داشته باشیم، تا به این خواسته، حداقل پاسخ را داده باشیم. البته من سعی کرده ام که اگر ریتم کار شاد است کلام و شعر فاخر باشد که شنونده همراه با شنیدن موسیقی شاد از غنای مفاهیم کلامی ترانه و شعر نیز بهره ببرد.

**پیشنهادات تو به عنوان یک خواننده تحصیل کرده و البته جوان، برای حل برخی از همین دست مسائل موسیقی کشورمان چیست؟**

در هنر موسیقی مسئله کیفیت و کمیت آموزش خیلی مهم و قابل توجه است. مسلما ما مراکز تخصصی آموزش موسیقی در کشور، کم داریم. متأسفانه در حال حاضر قوی ترین مرکز آموزش موسیقی در ایران کنسرواتور تهران است، چرا عرض می کنم متأسفانه، در حالی که این برای مرکز ما یک افتخار بزرگ است، به این دلیل که می بایست ده ها مرکز حرفه ایی و تاثیر گزار مثل این مرکز در کشورمان فعال باشند شاید یکی از دلایل اصلی و زیربنایی وضعیت نا مناسب موسیقی ما به این مسئله که پیشتر اشاره کردم یعنی کمیت و کیفیت آموزش موسیقی در کشور بر می گردد.

معروف است که موسیقی از نیازهای اولیه حیات روحی انسان است و الا نه بشر دارد زیبایی را در این هنر تجربه می کند. شاید قبلاً هنرهای دیگر غلبه و تاثیر بیشتری داشتند، اما این سالها و روزها با رشد و توسعه همه جانبه تکنولوژی و خصوصیات خاص و منحصر به فرد هنر موسیقی از طرفی و امکان سریع و گسترده تولید، ضبط و پخش موسیقی، شاید موسیقی شانه به شانه سینما یا تلویزیون پیش می رود و حرف اول را می زند. با این حال در این سالها در کشور حرکت های خوبی انجام شده است. آموزشگاه های موسیقی رشد قابل توجهی نسبت به قبل داشته اند. حرفه ای تر شده اند. ساز و کار اداری سازمانها و نهادهای دولتی در ارائه خدمات به حوزه موسیقی خاصه ارائه مجوزهای لازم آموزشگاه ها و ... مناسب تر و دارای کارشناسی بهتری شده است. بالطبع مراکز آموزشی تحت نظارت این نهادها از جمله وزارت ارشاد نسبتاً موفق عمل کرده اند ولی همچنان عرض می کنم که ما به لحاظ کمی و کیفی در حوزه آموزش کلاسیک و هدفمند فرهنگی در کشور عقب هستیم.

جهانی با حدود ۱۴۰ سال قدمت است. ببینید ما دارای یک مکتب خاص و مستقل در موسیقی هستیم. غربی ها وقتی می خواهند از موسیقی ایران حرف بزنند، می گویند: "موسیقی کلاسیک ایران"، در واقع هدف اصلی ما در کنسرواتوار ارتقاء سطح علمی موسیقی هنرجویان و علاقه مندان به موسیقی با این رویکرد و توجه به موسیقی ایرانی است، هدف این مجموعه تربیت نوازنده و آهنگ ساز به صورت آکادمیک، حرفه ای و عملی است.

از اهداف کنسرواتوار تهران آموزش و معرفی نوازندگان و آهنگ سازان حرفه ای به جامعه هنری ایران و جهان است. علاقمندان می آیند و به صورت آکادمیک دروس تخصصی موسیقی را فرا می گیرند و فعالیتهای هنری خود را در سطوح عالی تر ادامه میدهند. استادانی که در این موسسه آموزشی تدریس می کنند از جمله استادان صاحب نام داخل و مدرسان معتبر خارج از کشور هستند.

البته دیگر فعالیتهای آموزشی و فرهنگی کنسرواتوار تهران خیلی گسترده است و من دقیقاً در جریان عموم این فعالیتهای نیستم، پیشنهاد می کنم برای اطلاع بیشتر با گستره فعالیتهای ما با ریاست کنسرواتوار تهران گفتگویی داشته باشد.

**بله حتما در فرصت مناسبی این کار را خواهیم کرد، اما این روزها موسیقی در کشورمان به انواع و اقسام مختلف تقسیم شده و مورد توجه و انتقادات گاه تسندی قرار می گیرد، در این مورد چه نظری داری؟**

بله، البته شاید انتقاد کردن در زمینه موسیقی این روزها یک مُد رایج شده باشد اما اگر بخواهیم با نگاه کارشناسانه بررسی کنیم، واقعیت این است که موسیقی ما با استانداردهای جهانی فاصله قابل توجهی دارد. متأسفانه رواج موسیقی کامپیوتری، سواد موسیقی را کم کرده است و این مسئله بر تغییر ذائقه و سلیقه شنیداری جامعه نیز اثر منفی گذاشته است. شاید از جمله عللی که آلبوم دوم را ریتمیک انتخاب کردم همین باشد. چون مردم آنقدر این نوع موسیقی را گوش کرده اند که نوعی گرایش عمومی و ناخود آگاه به این نوع از موسیقی وجود آمده و لذا بارها و بارها نیز دوست دارند که آن را بشنوند.